

# دختران فروا

فصلنامه فرهنگی اجتماعی دختران  
سال دوم - شماره ششم - اسفند ۱۴۰۰



## عشق یا وابستگی؟

● اعتماد سازی خانواده  
برای روابط قبل از ازدواج

● هم شیرین  
هم کشنده

● توزیباترین  
دختر دنیایی



شماره مجوز: ۹۸۳۰۰۰

صاحب امتیاز: واحد مطالعات زن و خانواده نهاد

رهبری دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: صدیقه صراف نژاد

سردبیر: اسما زاهدی

مشاور نشریه: دکتر طاهره رحیم پور ازغدی،

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

دبیر هیئت تحریریه: حانیه طلائی

هیئت تحریریه: اسما زاهدی، نسیم انتظار، مطهره

تقی زاده، محدثه دشتیان، ریحانه ماهفر، ناهید

لاله زاری، سیما رزمی، فاطمه حفیظی، حانیه ذاکران،

ریحانه جلالیان، مهرگان مهدوی‌وش، حانیه طلائی

مشاور هنری: حامد خاکپور

باتشکر از: حجت الاسلام سید مهدی حسینی مطلق

خانم دکتر ناهید مشائی، عضو هیات علمی دانشگاه

فردوسی مشهد

خانم نادره شاملو، مدرس حقوق دانشگاه فردوسی

راههای ارتباطی: ۰۹۱۵۱۱۲۵۳۰۰۰

کانال تلگرام نشریه دختران هوا:

t.me/dokhtaran\_hava\_fum

## فهرست مطالب

۳ / سخن سردبیر

۴ / تو زیباترین دختر دنیایی

۷ / معرفی کتاب یک عاشقانه آرام

۸ / عشق یا وابستگی؟

۱۲ / ازدواج سفید نما!

۱۴ / هم شیرین هم کشنده

۱۹ / چند و چون سالم سازی ارتباط

۲۲ / مبارک باشه به هر حال

۲۴ / اعتماد سازی خانواده

۲۶ / کجاست گوش شنوا؟

۲۷ / کی میابین خایبگاری پس؟

## سخن سردییر

**اسما زاهدی** | در اجتماع امروزی، در هر وسعتی که باشد، این ارتباط‌ها هستند که جامعه را می‌سازند. تنوع و سبک زندگی‌ها در این اجتماع متنوع است. در شهرهای بزرگ، ارتباط بین دختر و پسر، بیشتر از شهرهای کوچکتر دیده می‌شود و این نوع ارتباط در نگاه نخست دیگر تعجب کسی را بر نمی‌انگیزد. ارتباط با جنس مخالف مسئله‌ای نیست که بخواهیم آن را سرکوب کرده یا با رویکردهای منسوخ شده به آن بپردازیم، این موضوع خاکستری است و نقاط مثبت و منفی خود را دارد و نحوه برخورد فرد با آن است که مشخص می‌کند، آیا آسیبی در روابط وجود خواهد داشت یا خیر!

اما نگرانی از آسیب‌های این نوع روابط، در اغلب خانواده‌ها در هر سطح فکری و عقیدتی مخصوصاً در قبال فرزندان دختر وجود دارد. چرا که اغلب دوست دارند دخترانشان زندگی زناشویی موفق‌تری تشکیل داده و یک ازدواج به سامان داشته باشد. بنابراین معتقدند در هر نوع رابطه‌ای باید رعایت شان و موازین اخلاقی را کرد.

یکی از مطالبی که بسیار بر روی آن تأکید شده است و از دلایل و بهانه‌های ایجاد رابطه، بیان می‌شود شناخت قبل از ازدواج است که اگر میان دختر و پسر رابطه‌ای نباشد و طرفین از هم شناختی نداشته باشند، ازدواج آن‌ها کورکورانه خواهد بود.

بدون تردید زوج‌های جوان باید با دیدی باز و آشنایی کامل از استعدادها و خصوصیات اخلاقی و فرهنگی یک دیگر، زندگی مشترک خود را آغاز نمایند تا در فراز و نشیب زندگی، با همراهی و همدلی مشکلات را پشت سر بگذارند. اما نکته اصلی در این است که آیا ارتباط و دوستی قبل از ازدواج، شناخت کامل را تأمین می‌کند؟ در این شماره قصد داریم به مساله ازدواج با رویکرد روابط دختر و پسر قبل از ازدواج بپردازیم و بخشی از پیامدهای مثبت و منفی آن را بررسی کنیم.



# توزیباترین دختر دنیایی



و صحبت‌هایش نشان می‌دهد هدفش از این ارتباط ازدواج است)).

عشق شیرین‌ترین دستاویز بشریت برای این نوع دوستی‌ها است و از همان آغاز خلقت در میان انسان‌ها جایگاه مهمی داشته است به گونه‌ای که سعدی علیه الرحمه می‌فرماید: «عشق آدمیت است، اگر این ذوق در تو نیست هم‌شرکتی به خوردن و خفتن دواب را»؛ اما به راستی آیا دوستی‌ای که جملات بالا نوید دهنده آن است، خبر از همان عشق پاک می‌دهد؟! گمان نمی‌کنم؛ زیرا هرچند نمی‌توان برای عشق قاعده و فرمول قایل شد اما قطعا باید مختصات از جنس توجه، محبت، احترام، مسئولیت‌پذیری و تعهد برای آن در نظر گرفت. بنابراین اگر عشق جاری در میان دو فرد از نوع راستین آن باشد جناب مجنون فقط به نوازش دادن گوش لیلی از طریق این جملات اکتفا نمی‌کند، بلکه به وجود لیلی احترام می‌گذارد و او را از خانواده‌اش خواستگاری می‌کند و با پیوند محکم، شرعی و رسمی که با لیلی می‌بندد به او اطمینان قلبی می‌دهد که تا جان در بدن دارد به او وفادار خواهد ماند. بنابراین می‌توان گفت منبع عشقی که در حد وعده و وعید و ارتباط پنهانی باقی می‌ماند، هیجان‌های شدید است

**نسیم انتظار |** گرگ‌ها همیشه در لباس خود ظاهر نمی‌شوند، گاهی لباس بره به تن می‌کنند و تارهای صوتی‌شان را جابه‌جا می‌کنند تا زوزه و هم‌انگیزشان بدل به نوای عاشقانه گردد و مجنون وار فریاد «دوستت دارم» سر دهند؛ اما از این نوای عاشقانه بوی دریدن، زخمی شدن، تنها ماندن و یک عمر بوی گرگ به تن ماندن می‌ماند و بس!

ارتباط جزء جدایی ناپذیر زندگی انسان‌ها است و ما همواره در پی آن هستیم تا به منظور نیل به اهداف گوناگونی همچون صلۀ رحم، یاری رساندن و یا یاری طلبیدن، ارتقای مهارت و علم و دانش و در نهایت دوستی، با اطرافیانمان ارتباط برقرار کنیم. پر واضح است که دوستی انواعی دارد و آنچه مدنظر ما در این نوشتار است دوستی‌هایی است که جملات و افکار زیر آغازگر آن هستند؛

«من عاشقت هستم»، «توزیباترین دختر دنیا بویی و به زودی زیباترین دختر دنیا ملکه زندگی من می‌شود»، مطمئن باش ما دو تا تا آخر دنیا برای هم هستیم و اگر زمین و زمان هم بر علیه ما متحد شوند نمی‌توانند ما را از هم جدا کنند»

«او با دیگران فرق می‌کند»، «خیلی انسان خوب و با خدایی است»، «رفتارها

که با اهدافی همچون سوءاستفاده‌های مالی، عاطفی و جنسی شکل گرفته است و سرانجام نیکی نخواهد داشت. برای این نوع از روابط می‌توان دو فرجام متصور شد؛ چنانچه ارتباط با هدف کسب لذت و سوءاستفاده طراخی و اجرا شده باشد، بعد از گذشت زمان کوتاهی این رابطه با یک برد و باخت پایان می‌یابد. برد از آن فردی است که به کام جویی اش رسیده و باخت برای آنکه عفت، آبرو، احساسات و عزت نفسش به یغما رفته است. از سوی دیگر چنانچه یکی از ایستگاه‌های این ارتباط وصال باشد، بدون شک مسیر با مشاجره، بی‌اعتمادی بهانه‌گیری ادامه می‌یابد و به محض رسیدن به دوراهی جدایی و تک روی تصمیم نهایی می‌شود. همانطور که قابل مشاهده است برای هیچ کدام از دو راه پایان خوشی وجود ندارد و شوربختانه باید گفت در بیشتر مواقع هر دو طرف این رابطه برای یک شروع حقیقی نیز با مشکل مواجه می‌شوند. زیرا در وهله نخست ممکن است این دوستی‌های موقتی بدفرجام آنقدر تکرار شود که ازدواج و اهداف مقدسش برای آنان معنای خود را از دست بدهد. از سوی دیگر همانطور که بر همگان میرهن

است جانمایه هر رابطه‌ای اعتماد است و در چنین روابط و دوستی‌ها، این تفکر در ذهن و جان مجنون و لیلی داستان مستولی می‌گردد که هیچ فرد پاک و قابل اعتمادی برای ازدواج وجود ندارد. نتیجه این تفکر را می‌توان در بالا رفتن سن ازدواج جوانان و رواج انواع بی بند و باری‌های موجود در جامعه مشاهده کرد. پس یادمان باشد لازمه یک ارتباط موفق عشق حقیقی و واقعی است و دوباره یادمان باشد عشق حقیقی افسارگسیخته نیست، بلکه یک جریان است؛ جریانی با طمأنینه و آرام که فراز و فرود زندگی ثبات آن را نابود نمی‌کند. اگر در مسیر چنان جریانی در حرکت هستید باید به شما تبریک گفت! چرا که در این مسیر به وجود و هویت شما احترام گذاشته می‌شود، با بذرمحبت و مهربانی بی‌آلایش و صادقانه رشد می‌کنید و در نهایت سعادت‌مند می‌شوید. و اگر تار و پود عشقتان را هیجان‌های زودگذر نفسانی تنیده است، پیشنهاد می‌شود قبل از سقوط آزاد در مرداب افسردگی و بی‌اعتمادی چتر نجات را باز کنید و خود را از تعلقات و وابستگی‌های این ارتباط برهانید.



# مگذار که عشق، به عادتِ

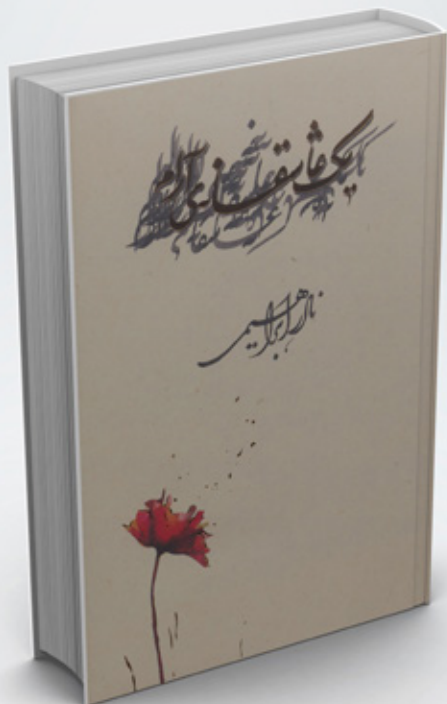
## دوست داشتن تبدیل شود!

عشق گرفت و عشق همچنان عشق بماند؟  
عشق، تن به فراموشی نمی سپارد، مگر یک بار  
برای همیشه....."

یک "عاشقانه ی آرام"، اسم کتابی است که  
باید آن را فهمید. خواندنش کفایت نمیکند.  
این کتاب اثر نویسنده محبوب معاصر، نادر  
ابراهیمی است. ابراهیمی در یک عاشقانه  
آرام، عاشقانه می نویسد و در پس این  
عاشقانه، مضامینی جهان شمول را به  
مخاطبان خود منتقل می کند. در واقع  
جهان بینی ای منعطف و قابل باور در  
قالب شخصیت های این کتاب وجود دارد  
که می توانیم خودمان را به خوبی به جای  
آن ها بگذاریم و حتی خود آنها بدانیم.  
بهار سال ۱۳۹۷ این اثر در لیست  
پرفروش ترین کتاب های طرح عیدانه کتاب  
و همچنین در لیست ۱۰ کتاب پرفروش طرح  
پاییزه ۱۳۹۷ و طرح تابستانه ۱۳۹۶ در قسمت  
کتاب های عمومی تألیفی، قرار گرفت.

اگر از آن دسته از افرادی هستید که از غرق  
شدن در کتاب لذت می برید به پیشنهاد  
بنده هرچه سریعتر برای مطالعه ی این اثر  
عاشقانه اقدام کنید.

**مطهره تقی زاده** مگذار که حتی آب دادن گل های  
باغچه، به عادت آب دادن گل های باغچه بدل شود!  
عشق، عادت به دوست داشتن و سخت  
دوست داشتن دیگری نیست، پیوسته  
نو کردن خواستنی ست که خود پیوسته،  
خواهان نو شدن است و دیگرگون شدن.  
تازگی، ذات عشق است و طراوت، بافت  
عشق. چگونه می شود تازگی و طراوت را از





# عشق یا وابستگی؟

**محدثه دشتبان** در گذشته ازدواج‌ها به صورت سنتی از طریق خواستگاری انجام می‌شد، ولی امروزه دوستی‌های قبل از ازدواج روند آشنایی دختر و پسر را دستخوش تغییراتی کرده است. نتیجه این نوع دوستی‌ها عموماً به چند مسیر ختم می‌شود، برخی از این دوستی‌ها در قالب ازدواج سفید ادامه می‌یابد، بخشی از آنها به جدایی و شروع رابطه با افراد دیگر ختم می‌شود و درصد کمی نیز به ازدواج قانونی می‌انجامد. در گزارش میدانی این شماره از نشریه دختران هوا قصد داریم دوستی‌های قبل از ازدواج بین دختران و پسران را کنکاش کرده و جایگاه عنصر وابستگی را در روابط بین آنها بررسی کنیم.



شروع می‌شوند نیز گاهی پس از مدتی دستخوش تغییر شده و عواطف و غرایض جای خود را به عقل و منطق می‌دهد. بدین گونه شناخت حاصل نشده و احساسات بر روابط حکمفرما خواهد بود که حتی اگر با این شناخت ناقص به ازدواج ختم شود، نمیتوان امیدوار بود که ازدواج موفق باشد.

در ادامه نظر دو تن از دوستانمان را درباره این نوع روابط و نقش وابستگی در آنها جویا شدیم:

سارا دانشجوی فلسفه دانشگاه فردوسی درباره دوستی‌های قبل از ازدواج می‌گوید که به طور کلی خیلی موافق این نوع روابط نیست و ادامه می‌دهد که درصد خیلی کمی شاید فقط ۱۰ درصد این دوستی‌ها به ازدواج ختم شده‌اند؛ آنهم دوستی‌هایی که از همان ابتدا با هدف واقعی ازدواج شکل گرفته‌اند و طرفین بعد یک شناخت تقریباً شیش ماهه باهم ازدواج کرده‌اند. او پرسیدیم که آیا طولانی شدن یک رابطه تضمین‌کننده به فرجام رسیدن آن رابطه است؟! سارا خیلی سریع پاسخ داد خیر! و بعد با یک تلخ‌خنده گفت که بسیار روابطی دیده که بعد از ۴ یا ۵ سال تمام شدند و طرفین به خصوص طرف دختر ضربه‌های سختی از آن رابطه دیده است. در ادامه

عموما دوستی‌ها یا با هدف آشنایی به قصد ازدواج شروع می‌شوند یا برای گذران وقت، رفع کنجکاوی و برطرف کردن نیازهای عاطفی و جنسی. البته گاهی افراد به خیال خود رابطه‌شان را با هدف دسته اول شروع می‌کنند ولی پس از مدتی چیزی جز اهداف دسته دوم باقی نمی‌ماند. دوستی‌هایی که بدون در نظر گرفتن ملاک‌های عقلایی و منطقی طرفین شروع شود فرجام خوبی نخواهد داشت. این نوع روابط یا به شکست و قطع رابطه که چیزی جز تجربه تلخ به همراه ندارد منجر خواهد شد، یا به وابستگی طرفین بهم؛ بطوری که با آنکه طرفین آگاه به ضررهای ادامه دادن این رابطه هستند اما به دلیل وابستگی عاطفی به طرف مقابل توانایی جدا شدن از شریک خود را نداشته و حتی ممکن است پس از مدت کوتاهی جدایی، دوباره به یکدیگر بازگردند و شروع به آسیب رساندن به یکدیگر کنند. اشتباه‌ترین حالت این است که این روابط که بدون در نظر گرفتن ملاک‌های منطقی ازدواج بوده به ازدواج ختم شود که چیزی جز شکست بزرگتر و فجیع‌تر برای طرفین به همراه نخواهد داشت.

دوستی‌هایی که با در نظر گرفتن ملاک‌های منطقی طرفین و با هدفی مشخص

از او سوال کردیم که چرا برخی روابط و دوستی‌ها با آنکه مشخصا قرار نیست به فرجامی برسند ولی ادامه پیدا می‌کنند؟! پاسخ سارا وابستگی بود. او توضیح داد که برخی افراد پس از مدتی که از شروع رابطه می‌گذرد از نظر روانی به یک‌دیگر وابسته می‌شوند و این باعث می‌شود که حتی زمانی که متوجه می‌شوند طرف مقابلشان مناسب نیست یا حتی به او خیانت کرده، قطع رابطه برایشان سخت شده و ترجیح می‌دهند در همان رابطه مریض بمانند. در ادامه تاکید می‌کند که بسیار از این روابط را در دوستانش مشاهده کرده است. سارا در پاسخ به آخرین سوالمان مبنی بر اینکه چگونه میتوان در این نوع روابط شناخت طرف مقابل را جایگزین وابستگی کرد؟! می‌گوید ما نمیتوانیم عنصر وابستگی عاطفی را در دوستی بین دو جنس مخالف حذف کنیم؛ تنها میتوانیم این وابستگی را کنترل کرده و عقل و منطق را در روابطمان پررنگ‌تر کنیم. یعنی برای شروع یک رابطه حتما هدفی مشخص تعیین کنیم و به طور منطقی برای شناخت طرف مقابلمان گام برداریم حالا بعد از مدت زمانی خواه ناخواه وابستگی به وجود خواهد آمد اما باید مراقب باشیم که طرف عقل منطقمان در تصمیم‌گیری‌هایمان سنگین‌تر باشد.

حسین دانشجوی برق قدرت دوست دیگریست که به سراغش می‌رویم او در جواب به سوال اولمان می‌گوید که از جهات مختلف مخالف این دوستی‌هاست، از یک طرف به دلایل دینی و مذهبی و از طرف دیگر هیچ دلیل و تضمینی وجود ندارد که این دوستی‌ها قبل از ازدواج حتما به ازدواج منتهی شوند چه بسا بیشتر این دوستی‌ها در بطن خود دارای اهداف دیگری هستند. همچنین ادامه داد: «نمیتوان در این بحث درصد گفت، این مواردی که به ازدواج ختم می‌شوند خیلی خیلی کم هستند ولی چون همین موارد نادر بولد می‌شوند دیگران خیال می‌کنند درصد زیادی از این روابط منتهی به ازدواج هستند درحالی که بنظر من حتی در همین موارد نیز ازدواج‌های موفقی وجود ندارد و اگر دقیق شویم می‌بینیم که چقدر طرفین در زندگی‌شان مشکل دارند و علت آن همان عدم شناخت درست و صحیح از یکدیگر است.» حسین در پاسخ به سوال بعدیمان می‌گوید که الزاما رابطه خطی‌ای بین دوام یک رابطه با مدت زمان آن وجود ندارد و چه بسا روابط و دوستی‌هایی که بعد مدت زمان زیادی قوام خود را از دست داده و طرفین از یکدیگر سرد شدند. همچنین او معتقد است ادامه پیدا کردن دوستی‌ها

ممنون اکسی‌توسین باشید. اکسی‌توسین تا حدی در تمام پیوندهای انسانی از تعاملات غیرجنسی گرفته تا روابط جنسی نقش دارد. ترشح این هورمون در افراد موجب اعتیاد افراد می‌شود، یعنی اگر می‌بینید که فردی مدام از یک رابطه به رابطه‌ی دیگر می‌رود یا این که بارها با یک نفر به هم می‌زند و دوباره می‌خواهد او را برگرداند، دچار این نوع اعتیاد شده است. اکسی‌توسین مرکز پاداش مغز را فعال می‌کند و حس سرخوشی و رضایت را ایجاد می‌کند. اکسی‌توسین در واقع همان بخش‌هایی از مغز را فعال می‌کند که هروئین نیز بر روی آنها اثر می‌گذارد. چرخه‌ی پاداش می‌تواند باعث اعتیاد واقعی به واکنش عصبی-شیمیایی به عشق شود. حال که متوجه شدیم این وابستگی در روابط چیزی نیست که در اختیار خودمان باشد باید خیلی بیشتر از قبل مراقب باشیم، به روابط بی‌هدف با جنس مخالف تن نداده و اگر هم می‌خواهیم رابطه‌ای هدفمند و با قصد و نیت درست را به منظور شناخت بیشتر آغاز کنیم حتماً حدود و مرزها را از همان پررنگ کرده، عقل و منطق را در صدر تصمیماتمان قرار داده و در چهارچوبی درست و با اطلاع و نظارت خانواده‌ها در این رابطه قدم بگذاریم. باشد که رستگار شویم.

دلایل متعددی دارد یعنی افراد حتماً هدف ازدواج ندارند و ممکن است اهداف و نیازهای دیگری داشته باشند. در پاسخ به سوال آخر نیز حسین معتقد بود که هیچ‌گونه امکان ندارد که دو جنس مخالف به هم نزدیک شوند و به یکدیگر وابستگی عاطفی پیدا نکنند به همین دلیل هم این نوع روابط در دین ما مذمت شده است.

### هورمون عشق

علت وابستگی به وجود آمده در دوستی‌های قبل از ازدواج به خصوص اگر طولانی‌تر شده و یا به ارتباط جنسی رسیده باشد؛ ترشح هورمون اکسی‌توسین است. اکسی‌توسین را مانند چسبی در نظر بگیرید که باعث محکم‌تر شدن پیوند و قوی‌تر شدن وابستگی می‌شود. چون این هورمون وقتی فعال می‌شود، احساس نزدیکی و صمیمیت را ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که احساس خوبی پیدا کنیم. به اکسی‌توسین لقب “هورمون عشق” داده‌اند، چون ترشح آن واقعاً موجب می‌شود که فرد احساس کند عاشق است و برای برقراری رابطه‌ی جنسی بی‌تاب شود. اکسی‌توسین علاقه، اعتماد و بخشندگی را در ما ایجاد می‌کند. در واقع هر زمانی که احساس راحتی یا امنیت می‌کنید، باید

# ازدواج سفید نما!

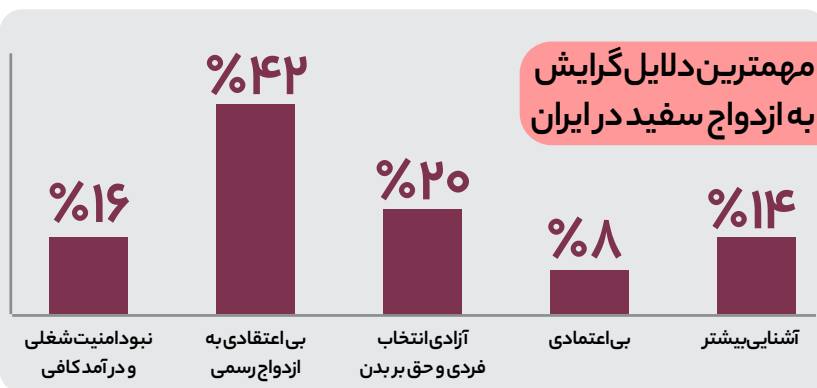
داده نما

بین ۲۵ تا ۳۰ سال قرار داشتند. ۶۲ درصد آنها دارای تحصیلات کاردانی و کارشناسی بودند و ۲۳ درصد آنها در مقطع ارشد و دکتری تحصیل می‌کردند. مهمترین شیوه آشنایی که از سوی این افراد ذکر شده بود، گروه دوستان و دانشجویی، همکاری در محل اشتغال و فضای مجازی بوده است. رنگ‌باختن کلیشه‌های جنسیتی، استقبال جوانان طبقه متوسط، عدم پیگیری قانونی در صورت بروز خشونت، تولد کودکان بی‌هویت، تک سرپرستی و سقط جنین، تنگ شدن حلقه انتخاب افراد برای ازدواج و کاهش نرخ ازدواج و بارروانی ناشی از دست دادن باکرگی برای زنان از دیگر پیامدهای این نوع ازدواج بوده است.

**اسما زاهدی** از رنگ‌باختن کلیشه‌های جنسیتی، آزادی انتخاب بر بدن و روابط جنسی، سرد شدن نسبت به ازدواج رسمی، طرد اجتماعی و ترس از پیگرد قانونی پیامدهایی پدیده‌ای است نوین که به آن ازدواج سفید گفته می‌شود. در یک تحقیق میدانی مهمترین دلیلی که این افراد در مورد روی آوردن به این ازدواج ذکر می‌کردند نیز عدم اعتقاد به ازدواج رسمی، آزادی انتخاب و حق بر بدن، عدم امنیت شغلی و درآمد کافی، آشنایی بیشتر و عدم اعتماد بوده است.

بر اساس پژوهش انجام شده، عمر ازدواج سفید در ایران بین یک تا سه سال است تصریح کرد: ۴۵ درصد از افرادی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته بودند

مهمترین دلایل گرایش  
به ازدواج سفید در ایران

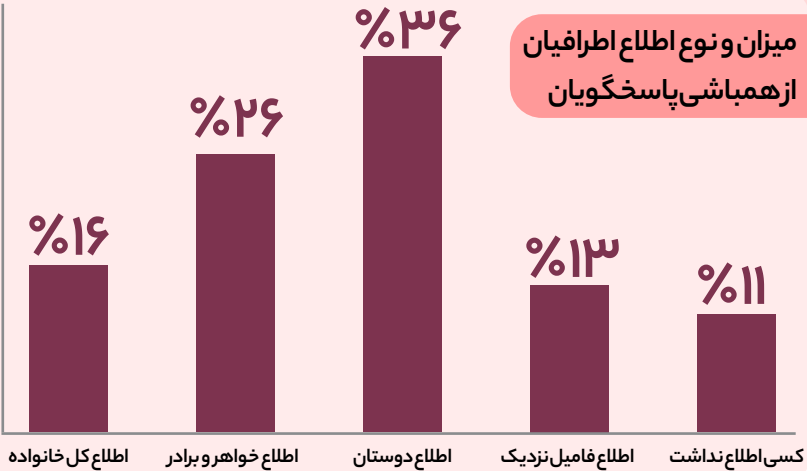


در آینده قصد ندارم **۴۷%**

تمایل به ازدواج در میان  
زوج های هم خانه

در آینده قصد داریم **۵۳%**

میزان و نوع اطلاع اطرافیان  
از همباشی پاسخگویان



## سیما زرمی | انسان موجودی اجتماعی

است که در زندگی اجتماعی سعی دارد برخی از وجهه های فردی خود را بروز دهد. گاهی در تنهایی و انزوا و گاهی در میان انبوه جمعیت به عنوان عنصری از یک جامعه ی انسانی عمل می کند.

جنبه ی اجتماعی انسان تنها با ارتباط و تعامل با دیگران معنی می یابد؛ زیرا ارتباط با هم نوع برای آدمی ضرورت دارد. در طول تاریخ بشر حتی در زمانی که انسان های اولیه با ساده ترین ابزار رسمی برای ادامه ی حیات و تلاش برای زنده ماندن داشتند؛ به صورت اجتماعی زندگی میکردند.

رابطه های اجتماعی معمولا بین گروه هم جنسان ایجاد می شود که این یک مسئله ی عادی و روزمره است. اما در جامعه ی کنونی با تغییرات فرهنگی و اجتماعی و تغییر بافت خانواده ها، روابط اجتماعی بین دو جنس مخالف بیشتر از قبل به چشم می خورد.

### روابط بین جنس مذکر و جنس مونث

در یک دید تاریخی از روابط جنس مونث و مذکر، تاریخ بشر شاهد دوره های متفاوت و گاه متضاد تعامل انسانی بوده است. به دلیل اینکه این دو جنس همواره سیر تکامل تاریخی خود را در



# هم شیرین هم کشنده



دگرگونی سریع جامعه و سنت‌هایی که مردم سال‌ها به آن خو گرفته بودند، نسل‌های اول و دوم انقلاب را دچار یک شکاف عمیق کرده است. پدرها و مادرهای امروزی کم‌تر می‌توانند جوانان خود را درک کنند و در بیشتر مسائل تفاوت‌های عمیقی بینشان حکم فرماست.

### تعریف رابطه

در تعریف کارشناسان، ارتباط میان دختر و پسر، یکی از ارتباطات میان فردی است، که در صورت ادامه یافتن این روابط متقابل در طول زمان و حاکم شدن هنجارهای خاص بر رفتار و گفتار طرفین، عنوان رابطه می‌گیرد. بر مبنای نظر جامعه‌شناختی و روانشناختی، دوستی با جنس مخالف، ارتباطی است که در آن دو جنس مخالف با برخورداری از تمایلات و کارکردهای جنسی در قالب کلامی و غیر کلامی به ارائه‌ی دریافت پیامی می‌پردازند که محتوی آن راضحبت، صمیمیت، عشق و علاقه و... تشکیل می‌دهد.

### بلا تکلیفی جامعه

به نظر می‌رسد بلا تکلیفی مردم در برخورد با این مسئله اجتماعی، نشانگر این است که ایران نه کشوری کاملاً سنتی و بسته است که ارتباط دختران و پسران را نیازمند اشد مجازات بداند و نه مانند کشورهای غربی این موضع را امری پیش پا افتاده بداند. شاید دلیل این میزان آسیب روانی، اجتماعی که آزادی

کنار هم طی کرده‌اند، هرگز نمی‌توان جامعه را به دو بخش کاملاً مجزا و ویژه‌ی مردان و زنان تقسیم کرد. در دوره‌های نوجوانی و آغاز جوانی، انسان‌ها دچار تغییرات جسمی و روانی متعددی می‌شوند که در نتیجه‌ی بخشی از این تغییرات، میل دارند که بیشتر مورد توجه افراد دیگر به ویژه جنس مقابل قرار بگیرند. شدت این هیجانات و کشش‌های قلبی و روحی آغازگر شروع روابط بین دختران و پسران در اغلب جوامع است.

### تغییر در روابط انسانی با وقوع انقلاب

جامعه‌ی ایران با بافت سنتی که دارد، دیرتر از جوامع غربی به این تغییر در روابط تن در داد. کشور ما به دلیل تغییرات گسترده‌ی سیاسی و فرهنگی که در چند سال گذشته تجربه کرده است، با دگرگونی ارزش‌ها و شکسته شدن بخشی از سنت‌ها مواجه شده است. جامعه‌ی ای که پس از روشنگری‌های انقلاب، با انتظارات جدیدی از سوی مردم مواجه شد و در پی این انتظارات آزادی‌های نسب نیز برای روابط دختر- پسر ایجاد شد. دختران و پسران جوان دیگر به سختی حاضر بودند تن به ازدواج سنتی بدهند و به همان روش‌های مرسوم تشکیل خانواده دهند. حضور دختران در جامعه و در محیط تحصیل و اشتغال امکان برقراری این روابط را بیش از پیش فراهم کرد.

روابط دختر و پسر به جامعه ی ما تحمیل کرده است؛ نشأت گرفته از همین بلاتکلیفی جامعه است. واقعیت امر این است که امروزه دختران و پسران ایرانی، بی پروا و بدون توجه به هنجارهای اجتماعی، ارتباطی عاطفی و پنهانی برقرار می کنند؛ در حالی که باور به سنت ها و هنجارها در ناخودآگاه آنها موجود است.

**دیدگاه جامعه و خانواده بر روابط دختر و پسر**  
در اجتماع امروزی، در هر وسعتی که باشد، این ارتباط ها هستند که جامعه را می سازند. تنوع و سبک زندگی ها در این اجتماع متنوع است. در شهرهای بزرگ، ارتباط بین دختر و پسر، بیشتر از شهرهای کوچکتر دیده می شود و این نوع ارتباط در نگاه نخست دیگر تعجب کسی را بر نمی انگیزد.

اما نگرانی از آسیب های این نوع روابط، در اغلب خانواده ها در هر سطح فکری و عقیدتی مخصوصا در قبال فرزندان دختر وجود دارد. چرا که اغلب دوست دارند دخترانشان زندگی زناشویی موفقیت آمیزی داشته باشد. بنابراین معتقدند در هر نوع رابطه ای باید رعایت شان و موازین اخلاقی را کرد.

نسل جوان خواستار این هستند که جامعه نیاز های آن ها را برآورده کند و در مقابل جامعه هم از نسل جوان چنین انتظاری دارد. خانواده ها هم انتظار دارند که سلامت و امنیت جوانان شان در اجتماع حفظ شود.

### رابطه جنسی پیش از ازدواج

همان طور که گفته شد در جامعه ی امروزی،

روابط دختر و پسر به جامعه ی ما تحمیل کرده است؛ نشأت گرفته از همین بلاتکلیفی جامعه است. واقعیت امر این است که امروزه دختران و پسران ایرانی، بی پروا و بدون توجه به هنجارهای اجتماعی، ارتباطی عاطفی و پنهانی برقرار می کنند؛ در حالی که باور به سنت ها و هنجارها در ناخودآگاه آنها موجود است.

**مولفه های ارتباط در دوستی دختر و پسر**  
وقتی که ارتباط یک فرایند باشد، پس ارتباط یک عمل یک نفره و کنش و واکنش ساده و خطی نیست. بلکه چندین عمل در کنار یکدیگر قرار می گیرند تا چیزی به نام ارتباط شکل گیرد.

این مولفه ها عبارتند از: برقرارکنندگان ارتباط، پیامی که منظور گویندگان را منتقل می کند، رسانه یا شیوه ی خاص برقراری ارتباط و کانالی که ارتباط برقرارکنندگان را به هم پیوند می دهد. در این نوع ارتباط بین دختر و پسر همیشه غریزه جنسی دخیل است، چیزی که باعث می شود این نوع ارتباط با سایر ارتباط ها منفک شود. پس هدف این نوع ارتباط ها بی شک، ورای اهداف آموزشی، فرهنگی، اقتصادی است. پیام این نوع روابط عشق، محبت، یکدلی و عاطفه است. پس در نتیجه ارتباط بین دختر و پسر نیز مانند سایر ارتباط ها دارای سطوح مختلفی است. کانالی که این نوع ارتباط ها از طریق آن برقرار می شود، متفاوت

خلا ناشی از پایان این رابطه را هضم کرده و با آن کنار بیاید.

### تاثیرات روابط پیش از ازدواج در آینده

حالا تصور کنید دختر یا پسری که قبلا یک رابطه ی عاشقانه را تجربه کرده و به نا به دلایلی نتوانسته با همان فرد مورد نظر ازدواج کند؛ وارد یک رابطه ی پایدار به اسم ازدواج می شود. برای چنین فردی چند حالت مختلف وجود دارد. نخست اینکه رابطه ی قبلی را تمام شده حساب کند و با همسرش زندگی عاشقانه ای را بسازد. در این صورت رابطه ی گذشته ی فرد هیچ مانعی در طول زندگی مشترک ایجاد نخواهد کرد و یک رابطه ی پایدار شکل خواهد گرفت. نوع دیگری از افراد با وجود ازدواج و با وجود از دست دادن رابطه ی قبلی هنوز در ذهن و خیال خود به او فکر می کنند؛ در تمام لحظات عاشقانه ای که با همسرشان دارند، فرد مورد نظر را جایگزین می کنند؛ سعی می کنند در ذهنشان به این فکر قوت ببخشند که این همان عشق از دست رفته است که من به دستش آورده ام. چنین طرز تفکری در صورت ادامه یافتن، رابطه ی جدید را دچار اختلال می کند. چرا که این میزان غرق شدن در روابط گذشته نوعی خیانت فکری به همسر است. شخص در رابطه حضور فیزیکی دارد؛ اما روح و روانش جای دیگری سیر می کند. در واقع همسر به

اغلب دختر-پسرها، هر یک نوعی از روابط آزاد را تجربه می کنند. حد و حدود هر رابطه ای بستگی به خود فرد دارد. بیشتر کسانی که در سن ازدواج هستند قبل از رسیدن به همسرشان، افراد زیادی را در زندگی ملاقات می کنند و در این ملاقات ها ممکن است به نوعی احساس عاطفی شکل بگیرد و هر یک به دلایلی به سرانجام نرسد.

پیشگیری از این نوع روابط و مدیریت صحیح آنها البته کاری دشوار و اغلب غیر ممکن است. به دلیل اینکه سن ازدواج در جامعه ی ما به دلایل گسترده ای بالا رفته و بیشتر جوانان ترجیح می دهند نیازهای جنسی و عاطفی خود را به نحو دیگری برطرف کنند.

اگر افراد پس از پایان یک رابطه ی عاطفی، مورد روان درمانی قرار بگیرند، می توان به طور دقیق درباره ی آسیب های روحی-روانی آن به طور مفصل بحث کرد. چنین روابط نافرجامی تا حد زیادی فرد را به آینده ی روابط عاطفی بدبین کرده و در عین حال به دلیل ایجاد یک خلا عاطفی خواسته یا ناخواسته او را به شروع مجدد رابطه ای جدید سوق می دهد.

روانشناسان روابط افراطی را به نوعی اعتیاد تشبیه می کنند و برای ترک چنین رابطه ای طول درمان تعیین می کنند. چون انسانی که در یک مقطع طولانی، یک رابطه ی عاطفی عمیق را تجربه کرده است، به سختی می تواند

کرده است؛ صرف این تجربه ملاک مناسبی برای رد یا قبول او نیست. چرا که ما اعتقاد داریم انسانی که یک بار اشتباه کرده است قابل اعتماد تر از کسی است که تا کنون اشتباهی از او سر نزده است!!!

اما بخشش چنین فردی هم نیاز به زمان دارد. اینکه آیا این اشتباه ممکن است پس از ازدواج نیز تکرار شود یا نه. اینکه فرد در روابط غیر اخلاقی خود حد و مرزی نداشته باشد بی شک در زندگی آینده اش اثر گذار خواهد بود. چرا که بسیاری از بیماری های جنسی از طریق روابط غیر اخلاقی منتقل می شوند و ممکن است چنین بیماری پنهانی آینده ی یک زندگی مشترک را به طور جدی تهدید کند.

### در پایان

باید قبول کرد که امکان برقراری رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج در جامعه بسیار سهل و آسان است. پس برای اینکه در آینده آرامش خاطر داشته باشیم و زندگی مان توام با عشق سپری شود؛ ناچاریم از بخشی از گذشته ی همدیگر چشم پوشی کنیم. اما چشم پوشی به معنای غفلت و سهل انگاری نیست. تمام مراحل شناخت باید به درستی طی شود و در موارد حاد با مراجعه به روانشناس به حل معضل پرداخت. با تفکر و تحقیق و شناخت میتوان آینده ی درخشان یک رابطه را تا حدود زیادی تضمین کرد.

عنوان ابزاری برای خیال بافی با عشق از دست رفته است. نوع سوم اما به مراتب شدید تر و حاد تر از نوع دوم است. دو نفر به دلایلی نتوانسته اند با هم ازدواج کنند، اما هر کدام با فرد دیگری وصلت کرده اند ولی این رابطه ی عاشقانه به شکل پنهانی هنوز ادامه دارد. چنین روابطی ریشه ی اغلب نزاع های خانوادگی و پرونده های جنایی است.

بخشی از انتخاب های ما از روی احساسات صرف انجام می گیرد؛ ما عاشق فردی می شویم که کارنامه اش پر از اشتباه های جبران ناپذیر است؛ قتل، تجاوز، رابطه ی نامشروع و ...

و فکر می کنیم که با شروع زندگی جدید با فرد جدیدی رو به رو خواهیم شد. این یک اشتباه محض است. کسی که برای روابط خود حد و مرزی قائل نبوده است؛ چطور می تواند یک شبه با حضور شما تغییرات فاحش را در خود و سبک زندگی اش ایجاد کند؟

انسان ها زمانی از اشتباهات خود دست می کشند که به پشیمانی رسیده باشند. اما پشیمانی صرفا ابزار زبانی نیست. باید آثار این پشیمانی در روح و جسم فرد هویدا شود. باید تاوان اشتباه پرداخته شود و بعد از یک دوره ی طولانی بتواند به محک وی پرداخت.

به طور مثال شما با دختر یا پسری آشنا شده اید که پیش از شما رابطه ی جنسی را تجربه

# چند و چون سالم سازی ارتباط

گفت و گو با خانم نادره شاملو، مدرس حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

این مانع از این میشود که ما بتوانیم درست به قضیه نگاه کنیم. ممکن است مسائل را ببینیم که بعدا میتوانند مشکلات بزرگی در زندگی ایجاد کنند اما بخاطر وابستگی و دلبستگی آن را کوچک فرض کنیم و خود را قانع کنیم که بعدا درست خواهد شد که این موضوع مانع تصمیم گیری درست ما خواهد شد البته این هادر مواردی است که شخص بعنوان ازدواج وارد یک رابطه دوستانه میشود. خود به خود این مسئله مانع از این میشود که شخص بحث دوستی ها با عنوان ازدواج نگاه کند، در صورتی که اکثر دختر خانم ها وقتی وارد این روابط میشوند که هدف اصلی آنها بحث ازدواج است، خیلی از موارد دیده میشود که این روابط علاقه دوطرفه را ایجاد کرده و بعد باید شرایط به سمت ازدواج پیش برود ولی آقا پسر می گوید من آمادگی ازدواج را ندارم یا خانواده من این رو نمی پذیرند و باید خانواده م رو قانع کنم و ببینید که سالها از عمر دختر خانم تلف میشود تازه براساس پایبندی به یک علقه ای که اتفاق افتاده و در نهایت اون موقعیت های مناسب و درست از دستش خارج میشوند ولی ممکن وقتی آقا پسر شرایط ازدواج رو پیدا کرد موقعیت مناسب برای ازدواج داشته باشد و در نهایت بعد

**حانیه ذاکران** اگر دوستی های قبل از ازدواج با هدف اینکه برای چه موردی صورت گرفته است بهتر میتوان مورد بررسی قرار داد. اگر با قصد ازدواج است آن شناخت اصلی و واقعی رو به طرفین نمی تواند بدهد چرا که بیشتر میل ها و تمایلات ظاهری افراد را ارضا خواهد کرد در نتیجه این ارتباط که باعث وابستگی عاطفی دوطرف میشود مانع از شناخت طرفین خواهد شد. آن چیزی در یک ازدواج سالم میتواند کمک حال باشد مسلما شناخت درست و واقعی طرف مقابل است، این شناخت باید با اصول درست اتفاق بیافتد که یکی از این اصول این است که کارشناسانه به بررسی بپردازد. برای اینکه بتوانیم کارشناسانه نگاه کنیم باید به دور از احساسات، عقل را بکار بگیریم. با عقل باید مسائل را تطبیق داد و دقت داشت در رفتار و گرفتاری که بتواند شخصیت شناسی کند، اگر عقل با احساسات درگیر شود مسلما عقل نمی تواند کارکردهای اصلی خودش را داشته باشد. پس در وهله اول این دوستی های قبل از ازدواج منجر به این خواهد شد که ما اول احساسات را پیش از عقل وارد روابط کنیم که جلوی کارشناسی عقل را خواهد گرفت و در وهله دوم وابستگی ایجاد میکند که خود

از چند سال آقا پسر با بهانه های مختلف از اون رابطه خارج شده و وارد یک رابطه جدید میشود ، اینجادر دختر خانم موقعیت های مناسب ازدواج خودش رو از دست داده و متحمل شکست شدید عاطفی شده است . یکی از معضلات اساسی اجتماعی که این موضوع میتواند ایجاد کند بحث اینکه خانواده ها براساس این روابط قبل از ازدواج شکل نمی گیرند و آنهایی هم که شکل میگیرند معمولا پایدار نیستند که دلیل این موضوع میتواند این باشد که این موضوع بیش از اینکه بیاید اصول و پایه های یک زندگی پایدار بخواهد شکل دهد و ما از عقل خود کمک بگیریم و مشاوره و از یک مشاور آگاه کمک بگیریم ان دلبستگی ها و وابستگی ها هست که شکل دهنده این خانواده خواهد بود و حالا اگر این دوستی ها منجر به تشکیل یک زندگی شود وقتی که این هیجانات فروکش کرد اتفاقی که میافتد تازه اون مسائل اصلی خودش را با شکل و شمایل سختی به ما نشان خواهد داد.

بصورتی که شخص گاهی اوقات دیگر توان ادامه دادن زندگی را نخواهد داشت. اکثر این ازدواج متاسفانه در همان سال های اولیه منجر به طلاق و جدایی خواهد شد چون براساس اصول درستی شکل نگرفته مثلا فرهنگ های بسیار متفاوت دو خانواده در نظر گرفته نشده یا نیاز های واقعی یک زندگی مشترک اصلا به آنها پرداخته نشده است.

این ها باعث میشود که متاسفانه این ازدواج ها خیلی متزلزل باشد و به شکست

منجر شود چرا که بیشتر مسائل احساسی و ظاهری مبنای این ازدواج قرار گرفته است. وقتی قبل از ازدواج با این افراد صحبت میشود بحث هایی که مطرح میکنند خیلی احساسی است مثلا اگر این ازدواج صورت نگیرد من دیگر نمیتوانم زندگی کنم و یا اینکه من عاشق طرف مقابلم هستم و این چیز ها برای من اصلا مهم نیست ولی وقتی ازدواج واقع میشود بعد از مدتی که این هیجانات فروکش کرد این عشق آتشی که قبل از ازدواج داشته اند (صرف احساس است) به سردی کشیده شده و یا حتی گاهی به تنفر منجر میشود . مثلا اینکه این مرد زندگی نیست من اشتباه کردم و یا اینکه این خانم نمی تواند همسر و مادر خوبی باشد و اینکه ما باهم تفاهم نداریم و در نهایت متاسفانه بحث جدایی پیش خواهد آمد. از دیگر معضلات اجتماعی بحث سست شدن خانواده ها ، به تعویق افتادن سن ازدواج چرا که جوانان بیایند شرایط یک ازدواج مناسب را برای خود فراهم کنند، با تن دادن به این روابط دوستی طبع خود را ارضا میکنند و مسلما اون بحث مسئولیت برایشون سخت و دشوار خواهد شد. وقتی سن از یک حدی بالاتر میرود شخص دیگر حاضر نیست مسئولیت بپذیرد و به راحتی میگوید آن چیزی که نفس من می طلبد در همین روابط پاسخ داده میشود و بحث مسئولیت پذیری برای ایجاد یک زندگی را کنار خواهد گذاشت. این اتفاقی که روی میدهد از یک سمت باعث یک معضل اجتماعی شده و از سمت دیگر برای خود



برای اینکه بتواند در بحث شکست‌ها خود را ترمیم کند به رفتارهای پرخاشگرانه روی می‌آورد یا اینکه حتی ممکن است احساس‌های ناخودآگاه مثل انتقام و... در او شکل بگیرد. گاهی اوقات از جنس مقابل خود احساس تنفر و بی‌زاری پیدا میکنند و گاهی هم باعث شخص دست‌به‌یک‌سری رفتارهای ضد اجتماعی بزنند. که این‌ها مشکلات عدیده‌ی رو برای فرد و جامعه به همراه دارد. حال اینکه فرد چگونه میتواند از این روابط خارج شود که دچار کمترین آسیب‌ها بشود این است که نیاز دارد در کنار یک مشاور قابل‌قرار بگیرد، یکی از بحث‌های که در این زمینه پیشنهاد میشود این است که بهترین کار اینکه رابطه به‌طور کامل قطع شود و پیامد‌های منفی که این رابطه به روح و روانش، آینده اش، موقعیت اجتماعی اش و... وارد میکند را لیست کند و مرور کند تا آرام آرام بحث حیطة کارشناسی عقل انسان فعال شود تا متوجه شود وقتی این آسیب‌ها متوجه او است کم‌بخش احساسی را کنترل کند و شخص با قبول واقعیت میتواند احساسات خود را مدیریت کند و با سلامت بیشتری از این رابطه خارج شود و اینکه دوباره این راه را طی نکند و وارد این دست‌از روابط نشود بلکه سعی کند این رو بعنوان یک تجربه داشته باشد و بتواند شرایط یک ازدواج مناسب را برای خود ایجاد کند و احساس آرامش را در خود ایجاد کند و به‌ثبات شخصیتی برسد و اینکه از راه و اصول صحیح مسیر ازدواج رو برای خودش فراهم کند تا به بهترین نتیجه برسد

شخص هم بعد از گذشتن یک مدت آن شور و هیجان جوانی میگذرد و سنین بالاتر از چهل سال انسان نیازمند ثابت‌واقعی‌زندگی است که متاسفانه این افراد با این رویه‌ای که اتخاذ کرده‌اند نمیتوانند به این موقعیت برسند. و باعث میشود که این افراد دچار افسردگی شده و احساس ناامنی کنند. و نکته دیگر اینکه متاسفانه این روابط خود به خود تبدیل به یک عادت شده یعنی اینکه شخص در یک رابطه شکست خورده و بعد می‌رود سراغ رابطه بعدی، حتی گاهی اوقات مبینیم که یک ازدواجی هم که صورت میگیرد چون شخص به این امر عادت کرده که افراد متعددی ارتباط داشته باشه و وفاداری به یک پایه و اساس رودر خودش تقویت نکرده متاسفانه بحث خیانت‌ها پیش می‌آید و دنبال چیزی می‌گردد که در واقعیت وجود ندارد و این خود به خود به خاطر احساسی که برای خودش ایجاد کرده سبب اعتیاد فرد به این نوع روابط میشود و خود همین هم معضلی هست برای زندگی و جامعه میشود. و این از معضلاتی است که متاسفانه امروزه گریبان‌گیر خانواده‌های بسیاری شده است. و یکی از آسیب‌های مهمی که این دست از روابط به افراد وارد میکند این است که وقتی شخص وارد این رابطه‌ها میشود هیچ‌جانی در او ایجاد میشود ولی به درستی در جای خود ایجاد نشده است و فرد احساس شکست را تجربه میکند و باعث میشود که فرد آسیب‌های روحی جدی ببیند مخصوصاً در دختران خانم‌ها شدیدتر است و خیلی اوقات شخص

**حانیه طلایی** خودمونیم ازدواج هم داستان عجیبی داره ها، دوستی دارم که توی یکی از انتشاراتی های معروف کار می کنه و جالبه که چندین کتاب هم با موضوعاتی مته چگونه ازدواج کنیم؟ یا ازدواج آسان، ترجمه و تالیف کرده، اما خودش هنوز که هنوزه مجرد! یکی نیست بهش بگه آخه عزیز من! تو که این قدر راه و ترفند جلب نظر آقایون رو بلدی، خب چرا ازشون استفاده نمی کنی؟ یا اگه ازشون استفاده می کنی، پس چرا جواب نمیده؟!

**اپیزود دوم:**

**دختر یکی از اقوام**

دورمون مدرک دکترا داره و در یکی از مشهورترین شرکت های ایران مشغول به کاره و از قضا در جایی که کار می کنه، همه ی مهندسين آقا هستن و ايشون تنها خانم مجموعه س، با این که می تونم بگم تا به حال تقریباً از صغیر و کبیر اون آقایون پیشنهاد آشنایی بیشتر برای ازدواج دریافت کرده، اما متاسفانه هربار به دلیل نندیدن حسن نیت و جدیت لازم برای ازدواج، موضوع به جورایی منتفی شده..

**اپیزود اول:**

**خانم ک. توی به بازی**

آنلاین با همسرش آشنا شد و بعد از دو سه تا قرار در اماکن عمومی و صحبت های اولیه، این قدر از هر نظر بین ایده آل هاش و اون آقا هماهنگی دید که موضوع فورا خانوادگی شد و خیلی سریع هم منجر به ازدواج..

**اپیزود سوم:**

**سر راه دختر دوست مامانم**

که از خانواده ی مرفهی هم هستن، آقایی سبز شد با بهترین ماشین و بهترین خونه و صاحب فلان کارخونه ی تولید مبل و غیره... اما بلافاصله بعد از ازدواج شتابزده، ماشین مال دوستش از آب درومد و خونه مال عموش و در نهایت ايشون کارمند ساده ی اون کارخانه و به تمام معنا فاقد جنم کاری و اهل بخور و بخواب توی خونه ی پدر زن و الی آخر المحاسن! که متاسفانه بعد یه سال با چه مکافاتى طلاق گرفت، اونم از نوع مهرم حلال و جونم آزادش!

# مبارک باشه به هر حال

### اپیزود چهارم:

#### دختر خانومی که برای نظافت

منزل ما میاد، نهایتاً شونزده هفده ساله بود که یکی از هم روستایی هاشون اومدن خواستگاری ش، وقتی با ما مشورت کرد گفتیم باشه دخترو بدین اما قبلش یه تحقیقی بکنین ببینین داماد چه طور آدمیه، خلاصه قبول کردن هفته ی بعد که اون خانوم به منزل مون مراجعه کرد، گفت: راستی تحقیق کردیم متوجه شدیم خواستگار دخترم معتاده ها، اصلنم اهل کار نیست، اما تا اومدیم یه نفس راحتی بکشیم ادامه داد که معصومه پاهاشو کرده تو یه کفش که آلا و بلا می خوام باهاش ازدواج کنم، آقا سرتونو درد نیارم از مشاور تا بزرگای فامیل و غریبه ها و همه گفتن دختر ندید به این مرد، اما آخر سر وصلت سر گرفت و خیرا هم دورادور به ما می رسید، که پسره ترک کرده به خاطر معصومه و رفته سر کار و.. بعد از چند ماهی هم بچه دار شدن و تا همین الانه که بچه شون کلاس اوله دارن خوب و خوش زندگی می کنن

#### نتیجه

#### گیری نهایی این که:

موارد فوق چندتا نمونه از میلیون ها داستان آشنایی و ازدواجی بود که هیچ کدومم شبیه همدیگه نیستن و فقط برای این بود که بگم ازدواج فرمول خاصی نداره اما نکات ایمنی داره: دقت بکنید، همه جوانب رو در نظر بگیرید، پیش صدتا مشاور و آدم دنیا دیده برین، آدم هم کفو و هم سطح خودتونو انتخاب بکنین اما به در و دیوار نزنین! اینو بدونین که وقوعش و حتی خوب و بدش، کاملاً شانسی و تقدیر محوره و به قول قدیمیا مئه هندونه ی در بسته می مونه.....

مبارک باشه به هر حال!



# اعتماد سازی خانواده برای در جریان گرفتن روابط قبل از ازدواج فرزندان

کردن و مورد محبت واقع شدن است. برخی از روانشناسان با بررسی نیازهای مختلف بشری و سطح بندی آن بر تامین نیازهای عاطفی در دوران نوجوانی و جوانی تاکید فراوان دارند. اما مسئله ای که در اینجا می تواند مطرح باشد، تامین نیازهای عاطفی از طریق رابطه با جنس مخالف است. پدیده معاشرت و دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج در بین جوانان به خصوص دانشجویان، یک واقعیت اجتماعی نوظهور است. به نظر می رسد در حوزه روابط بین دختر و پسر در جامعه به خصوص در بین جوانان، تغییرات نگرشی و ارزشی رخ داده یا در حال شکل گیری است و جوانان جهت گیری نگرشی و ارزشی متفاوتی به نسبت بزرگسالان و خانواده های خود دارند که این امر گویای شکاف نسلی است. پیش از هر چیز باید خانواده ها به نقش حیاتی خود در برابر فرزندان آگاه شوند تا بتوانند الگوهای صحیح رفتاری را به فرزندان ارائه دهند و هویتی سالم و پویا به آنان ببخشند. والدین باید به نیازهای عاطفی و روحی فرزندان و شیوه های صحیح پاسخ گویی به این نیازها واقف شوند. جوان در تصور خویش، از طریق دوستی با جنس مخالف، می خواهد به آرامش برسد. او

**ریحانه ماهفرا** نهاد خانواده به عنوان یکی از مکانیسم های اساسی جامعه پذیری و انتقال ارزشها و نگرشهای جامعه به نسلهای جدید و جوان همواره مورد تاکید بوده است. در این حوزه، خانواده عامل پیونددهنده نسلهای متفاوت به یکدیگر معرفی شده است. زمانی که خانواده و جامعه نقش اساسی خود را جهت یاری دادن به نسل جوان برای یافتن هویت سالم، مثبت، پویا و سازنده به خوبی ایفا نکنند، نسل جوان با آشفتگی وجودی مواجه می شود و برای کاهش اضطراب و رهایی از سرگشتگی، به دوستی ها تن میدهد. دوستی های خیابانی و آشنا شدن دختران و پسران به دور از چشم والدین یکی از معضلات اجتماعی است. علل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع باعث شده سن ازدواج بالا رود و جوانان کمتر تشکیل خانواده بدهند که البته دنیای ارتباطات نیز در شیوع این معضل نقش بسزایی را دارد. انسان دارای نیازهای مختلف زیستی، اجتماعی، عاطفی و شناختی می باشد. او نیازمند خوردن، آشامیدن و تعامل با دیگران است. این تعامل در پی پاسخ به سوال های شناختی خود است و بالاخره مهمترین نیاز انسانی محبت

امنیت کنند می توانند با پدر و مادر خود صحبت کنند بدون اینکه ترسی از طرد شدن، مورد ضرب و شتم قرار گرفتن، مورد تحقیر قرار گرفتن و مورد مقایسه قرار گرفتن داشته باشند. در این صورت آن جوان یا نوجوان، پدر و مادر خود را محرم اسرار دانسته و ارتباط خوبی بر قرار می کند. البته این اولین و اساسی ترین قدم است

### پیشنهاداتی برای جوانان

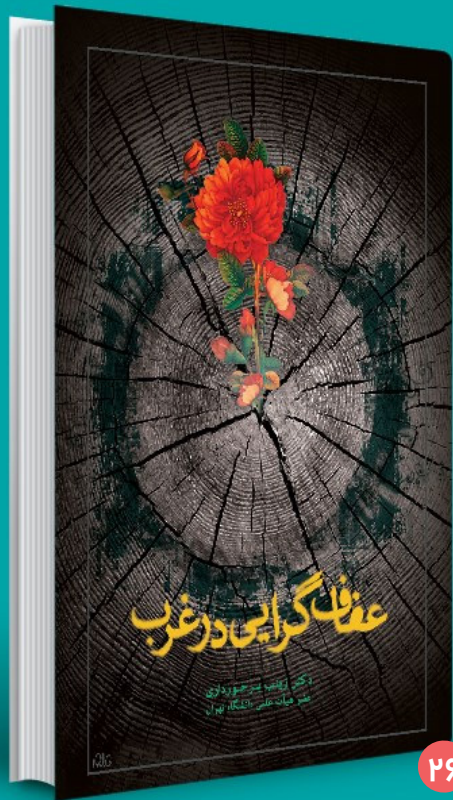
اگر صادقانه با والدین تان گفت و گو کنید، خواسته های تان را بگویید و نگرانی های تان را مطرح کنید، می توانید اعتماد والدین تان را تا حدود زیادی جلب کنید. همان اندازه که می خواهید گوینده باشید، گوش هم بدهید یعنی باید سعی کنید دنیای والدین تان را هم بفهمید و از زاویه دید آن ها به دنیا نگاه کنید. در این شرایط است که روابط بین شما و والدین تان بهبود پیدا خواهد کرد.

عامل دیگر برای برگرداندن اعتماد، احترام متقابل است یعنی در فضایی که احترام وجود دارد، اعتماد هم می تواند رشد کند. عامل بعدی اظهار محبت است. بعضی بچه ها فکر می کنند والدین وظیفه دارند به آن ها اظهار محبت کنند، اما فکر نمی کنند خودشان هم چنین وظیفه ای دارند. وقتی بچه ها نسبت به والدین شان اظهار محبت نمی کنند، فضای احترام آسیب خواهد دید و طبیعتاً تلاش برای برگرداندن اعتماد بی نتیجه خواهد ماند.

لذت این دوستی را عامل تسکین برای بحران بی هویتی خویش می داند. به نظر بسیاری از کارشناسان دوستی ها، ارتباط ها و ابراز علاقه های قبل از ازدواج بیشتر کاذب هستند و اگر موجب تشکیل خانواده شود، قدرت تحکیم و تداوم زندگی را ندارد. بیشتر مواقع نیز این روابط و ابراز علاقه ها دور از نظر پدر و مادرها انجام می گیرد. اگر این آشنایی ها تحت نظارت پدر و مادر نباشد، می تواند مشکلاتی را ایجاد کند. ناتوانی خانواده و جامعه در پاسخگویی صحیح و به موقع به نیازهای اساسی نسل جوان عامل مهمی جهت شکل گیری دوستی های خیابانی است. امنیت، احترام، محبت و دوست داشته شدن از جمله نیازهای روانی انسان است که متأسفانه به دلیل سرگرم شدن خانواده ها و جوامع به فراموشی ساختن امکانات اقتصادی، این دو نهاد انسان ساز از هنر عشق ورزیدن و احترام گذاردن به نوجوانان و جوانان محروم می شوند. نحوه برخورد و عملکرد والدین با فرزندان نیز نقش بسیار عمده ای در ایجاد این ارتباطات دارد. اگر ارتباط و ابراز علاقه قبل از ازدواج، بدون نظارت پدر و مادر باشد، قطعا مسایل و مشکلاتی را ایجاد می کند و ادامه زندگی مشکل می شود. اگر پدر و مادر کمی حوصله به خرج دهند و صبوری کنند و با آرمش به حرفهای جوانان گوش دهند مسلماً خیلی از گره هایی که بایستی با دندان باز شود را با دست باز می کنند. وقتی جوانان احساس

# خلاصه ای از کتاب عفاف گرایی در غرب

چاپ سوم ۱۳۹۲ - نشر معارف  
پژوهشکده فرهنگ و دین  
گروه مطالعات زنان و خانواده  
خانم دکتر زینب برخوردار  
(عضو هیات علمی دانشگاه تهران)



**ریحانه جالبیان** نویسنده این کتاب که خود عضو انجمن خویشتنداری جنسی آمریکا می باشد ، رویکردهای مختلف تاریخی نسبت به عفاف و حجاب در غرب را تبیین می کند و عوامل شکل گیری این رویکردها و آسیبهای را مورد بررسی قرار می دهد

## رویکرد اول: قبل از رنسانس

طبق مستندات در متن تاریخ، مغرب زمین ابتدا معتقد به پوشش بودند و بعد از رنسانس به رواج برهنگی و بی بندباری رسیدند که دلایلی داشت. ابتدا با ظهور مسیحیت، خویشتن داری جنسی بسیار پررنگ تر از ادیان دیگر شد با وجود اینکه بدنه اصلی جامعه پیش از رنسانس بر پاکدامنی زنان و مردان معتقد بود اما دوتکته این ماجرا را تغییر داد اول تلقی رایج آیین مسیحیت درباره زن و پست و شیطانی شمردن وی با گذشت زمان زنان را از ایمان به مسیحیت باز داشت. دوم تحریفاتی که علیه جایگاه زنان در مسیحیت تحریف شده ظهور کرد از قبیل برتری مرد بر زن، مسؤل بودن زن در گناه اولیه بشر، عدم وجود روح برای زن، زمینه ساز رخنه در باور دینداران و زمینه ساز رویگردانی از مسیح در خصوص عفاف و حجاب شد.

**رویکرد دوم: لیبرالیسم جنسی، ضدیت با عفاف**  
همزمان با رنسانس رویگردانی مغرب زمین از اعتقاد به حجاب و عفاف به وقوع پیوست به دنبال آن رعایت حریم ها و خویشتن داری



مادران نوجوان و جوان مجرد)  
۵. مشکلات کودکان بی سرپرست.

### رویکرد سوم: رویکرد جدید عفاف گرا در غرب

در پی آسیب های جدی جوامع غربی از لیبرالیسم جنسی گروه های منتقد یکی پس از دیگری پرچم مخالفت برخاستند گروه هایی سعی بر باز خوانی متون مقدس مسیحی در راستای خویشتن داری جنسی دارند. ب. خی فعالین عفاف و حجاب بدون تعلق به دین به عنوان مصلحان اجتماعی و ترد میدان شدند. از جنبش های نوظهور دهه های اخیر در آمریکا که در پی سرخوردگی و شکست لیبرالیسم جنسی به ظهور رسید جنبش خویشتن داری جنسی با علامت اختصاری (True love waite) می باشد.

این جنبش از سال ۱۹۸۷ برنامه عملیاتی (آموزش های جنسی بر مبنای تعالیم مسیحی را کلید زد و آموزش خویشتن داری جنسی جایگزین آموزش آمیزش امن شد.

به بررسی تیتروار عوامل شکل گیری جنبش خویشتن داری جنسی در غرب می پردازیم:

۱. فمینیست های نوین: بسیاری از محققان و پژوهشگران غربی در پی بررسی بی طرفانه وضعیت خانواده ها در جوامع غربی مجاب شدند که تفکر ات فمینیستهای رادیکال و جنسیتی عامل اصلی فروپاشی خانواده و به تبع آن مشکلات ناشی از تخریب کارکرد خانواده است.

جنسی به عنوان محدود کردن آزادی انسانها و دخالت در امور شخصی آنها بر شمرده شد. دستورات استخراج شده از انجیل و تورات علمای مسیحی به عنوان عوامل تضییع حقوق زنان ارزیابی شدند. خانواده ها با رهاورد جدید اندیشه های مدرن که شالوده قوانین سنتی را از هم می پاشید دست و پنجه نرم می کردند. در مقابل طرفداران رویکرد سنتی به تدریج منزوی شدند و دین از ساحت های مختلف زندگی بشر حذف شد.

حال به مهم ترین عوامل موثر بر شکل گیری رویکرد دوم می پردازیم:

۱. تلقی رایج از انسان و سقوط انسان از خلیفه الهی به حیوان دویا

۲. اومانیسیم و انسان محوری جای خدا محوری

۳. جنبشهای فمینیستی

تا به اینجا رسید که روابط جنسی فرد به عنوان حق شخصی از دستاوردهای رویکرد دوم گردید.

امروزه متاسفانه در مغرب زمین دیدگاه اباحه گری در مسائل جنسی تا حد زیادی به فرهنگ جامعه تبدیل شده است.

از آسیبهای ناشی از لیبرالیسم جنسی می توان به:

۱. کاهش سن ورود به روابط جنسی

۲. افزایش ناکامی در زندگی زناشویی

۳. افزایش بیماری های مقاربتی

۴. افزایش نابودی ها (سقط جنین، نابودی



و تربیت فرزند از اهداف آنهاست. زنان مخالف با برهنگی: عده ای از فعالان عفاف در عرب ادعا می کنند در نسل کنونی دختران، نوعی گرایش به حجاب وجود دارد. در سال ۲۰۰۵ کار گروهی به پیشنهاد کمیته زنان در روانشناسی CVP تشکیل شد و به بررسی عوامل ایجاد دیدگاه جنسی در دختران سنین کودکی پرداخت بنابراین تحقیقات این کارگروه دانشگاهی تبلیغ لباسهای بدن نما و لوازم آرایشی برای دختران کم سن و تشویق آنها به نشان دادن زیبایی های جسمی شان موجب ایجاد دیدگاه جنسیتی از کودکی فرد می شود. کار گروه یاد شده در سال ۲۰۰۷ با انتشار کتابی به وضعیت پوشش و تبلیغات مغرب در آمریکا انتقاد کرد. (در این مورد می توانم اشاره کنم به مستند ضد ۲ از شبکه مستند، ساخته محسن کریمیان ) ظهور کودکان اینفلوئنسر در بستر شبکه های اجتماعی موضوع پنجمین قسمت از فصل

۲. فمینیست های نوین با تبیین مسائلی چون نیاز عاطفی زنان به داشتن فرزند، آسیب پذیری بیشتر زنان در محیط های کاری خارج از خانه، وضعیت نامطلوب و ناعادلانه اشتغال زنان نسبت به مردان و .. سعی در نشان دادن ظالمانه بودن بسیاری از نظرات فمینیست های رادیکال دارند.

۳. زنان مخالف فمینیسم: پژوهشگرانی از جمله سوزان داگلاس (استاد دانشگاه میشیگان دارای تالیفات متعدد در این باب و آسیب پسران) در مقاله ای به عنوان ((دختران ضد فمینیسم می شوند)) که برگرفته از آخرین کتاب وی ((افشای تبعیض جنسی)) است دستاوردهای فمینیسم برای زنان را بیان می کند.

جنبش LAF از سال ۲۰۰۲ فعالیت گسترده بین المللی آغاز کرده و ادعا دارد دستاوردهای فمینیسم، برای زنان جز تباهی مادی و معنوی نبوده، بازگرداندن زنان به خانه و خانه داری

دوم بوده.)

جنبشهایی که بر رعایت پوشش مناسب از سوی زنان تاکید دارند خواستار بازنگری مفهوم اقتدار زنانه هستند. منظور ایشان از پوشیدگی زنان به هیچ وجه جلوگیری از لغزش مردان (چنانچه قبلا مطرح شد) نیست بلکه پوشش مناسب زنان را موجب عطف توجه افراد به شخصیت حقیقی زنان میدانند. حال با این شرح تیتروار به اینجا می رسیم چه مواعی باعث عدم خویشتن داری جنسی گردیده:

۱. مواع درونی خویشتن داری جنسی: بلوغ جنسی بدون بلوغ روانی، عاطفی، عقلی - بلوغ زودرس - دوست گیری با جنس مخالف در سنین پایین - مصرف مشروبات الکلی و داشتن تفکرات لذت گرایی.

۲. مواع بیرونی:

تشویق افراد در فرهنگ پست مدرن برداشتن زندگی لذت جویانه تولید و تبلیغ انواع فیلمها و محصولات محرک جنسی.

برآورده نشدن نیاز های عاطفی و روانی در خانواده

فشارهای محیطی و باورهای نادرست از قبیل: (همه این کارها را انجام میدهند من چرا انجام ندهم؟) تشریح مفصل مسائل بهداشت جنسی، راههای جلوگیری و سقط جنین و القای این فکر که همه درگیر این

روابط هستند و راههای امن وجود دارد.

عفاف گرایان پس از ارزیابی های اوایه راهکارهایی را پیشنهاد دادند که بدون رعایت آنها این جنبش موفق نخواهد بود:

۱. بهبود روابط خانوادگی و ایجاد الگوی مناسب برای فرزندان
۲. افزایش اعتقادات دینی
۳. ایجاد اعتماد به نفس
۴. ترک مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر
۵. داشتن پوشش مناسب
۶. اجتناب از محرک های جنسی سمعی

و بصری

۷. اجتناب از محیط های خلوت

۸. گذراندن اوقات فراغت با افراد عقیف

۹. یادگیری روش های جبران خطا

### جمع بندی و نتیجه:

چنان چه گذشت، در جهت کاهش آسیبهای ناشی از لیبرالیسم جنسی راهکارهایی از سوی فعالین عفاف گرایی در غرب ارائه شده است که بخشی از راهکارهای متناظر در اسلام می باشد، که مصلحین غربی پس از افت و خیزهای فراوان به آن رسیده اند. و می توان نتیجه گرفت آنچه در قالب احکام اسلامی به آن تکیه شده در راستای اعتلای جامعه و حفظ حقوق و امنیت و آرامش افراد و پیشگیری از معضلاتی است که امروزه در جوامعی که لیبرالیسم جنسی به رسمیت شناخته شده است، به چشم می خورد.

یک روز سقط جنین را آزاد کردی. روز دیگر انواع خانواده حتی از نوع هم جنس را تعریف کردی و روز دیگر بر طبل هم باشی و ازدواج سفید کوبیدی. ازدواج شرعی و مسئولیت آفرین و آرامش بخش را بردگی و اسارت شمردی و به جایش غبار سیاهی به اسم ازدواج سفید بر فطرت پاک جوانان پاشیدی. ازدواج و تشکیل خانواده که نزد خدا قداستی شبیه خانه خدا داشته و دارد را مورد تشکیک و گمانه زنی قرار دادی و هویت و شخصیت و ارزش یک زن و دختر را چک سفید امضایی کردی در دست، تا دیگران به غارت برزند و به جایش عمری دلواپسی و افسردگی و ناامیدی بدهند. کجاست گوش شنوایی که فریاد این نسل را بشنود که هم از سفید نماهای سیاه باطن خناس فراری است هم از گوساله پرستانی که با سختگیری در مقدار مهریه و جهیزیه و ... ازدواج این پیوند آسمانی را اینقدر سخت و پیچیده کرده اند.

**تالهارزی!** با شعار دفاع از حقوق زن متولد شدی! توسط عده ای سودجو که تنها به سود صنف و گروه و مسلک سیاسی شان می‌اندیشیدند بزرگ شدی، شعارهای دهان پرکن دادی و گاهی حقوقی مثل حق رای را برای زنان فراهم کردی. اما... در سالهای رشد و گذر از این نوع به آن نوعت چه بر سر زنان آوردی بماند! تاریخ خود شاهد بلاهایی که نه تنها بر سر زن که بر سر مرد و کودک و خانواده آوردی هست. سوار بر امواج خودساخته ات شدی و تاختی. موج اول و دوم و سوم و ... و هر بار زنان از همه جا بی خبری را همراه کردی و با شعار برابری و آزادی و رهایی آنان را با خود بردی. در ابتدا موج سواری هایت لذت بخش بود اما در آخر نه تنها موج سوار را به ساحل امن نرساندی که در میان امواج سهمگین افسردگی و سرخوردگی و فلاکت تنها گذاشتی.

## کجاست گوش شنوا؟



پسری خواست مزدوج بشود  
 رو به آفاق تازه کج بشود  
 مادرش گفت: «دخترِ خاله»  
 پدرش گفت: «اون که بی حاله!»  
 خواهرش گفت: «دوستم، زیبا»  
 بی بی اش گفت: «دخترِ روبا»  
 گفت بابا: بهارِ دادم  
 که به قربانِ قد و بالاشم  
 هفت کوچه صدای مادر رفت:  
 «زین سناریو حوصلم سر رفت!»  
 دارد این شهر این همه دختر  
 نیست دختر از آن نُتر بهتر؟!  
 گفت داماد با خودش: این چیست؟!  
 پس چرا انتخاب با من نیست؟!  
 خواست اسرار عشق، فاش کند  
 مثلاً رفع اغتشاش کند  
 گفت: آن که نکوست می دارم  
 یک نفر را چه دوست می دارم  
 دختر همکلاس دانشگاه  
 خوش کمالات و خوشگل و همراه  
 زد دو دستی ننه میان سرش  
 گفت بابا بد است در نظرش  
 خواهرش کرد چپه چپه نگاه  
 تا بجنبی سر تو رفته کلاه!  
 بی بی اش گفت: ول کن آتش را  
 نشنیدی مگر مثالش را؟  
 نفرستید پیر، خر بخرد!  
 یا جوان نیخته زن ببرد!

کار اگر گیر باشد ای عاقل!  
 نکته سنجی ت می شود زائل  
 به فنا می دهی جهانی را  
 گر بگیری خودت فلانی را  
 نه بیُر، نه بدوز تنهایی!  
 که به پا می شود چه شرهایی  
 مهریه، پُهریه، ندانی چیست  
 دختر خوب و بد ندانی کیست  
 تو پنیری میان فوج کلاغ!  
 می دهی حقِ کار و حق طلاق!  
 دسته جمعی چنان بدی گفتند  
 فکر زن را ز خاطرش شستند  
 منصرف شد که ازدواج کند  
 عمر خود را فدای باج کند  
 گفت راه تقیه گیرم پیش  
 دختری را نمی شناسم خویش!  
 زندگی با شما عزیزانم  
 نعمتی هست و قدر می دانم  
 سینما و خرید و مهمانی  
 در کنار شما و مامانی!  
 هست این منتهای آمالم  
 من از این، صادقانه خوشحالم  
 زن کجا! من کجا! مگر که خل ام؟  
 راست می گوید این عزیز گل ام  
 عذر خواهی نمود و چون موشی  
 عاشقانه پرید رو گوشی!  
 دید دختر نوشته دلواپس:  
 «کی میابین خاسگاری پس؟»

A close-up photograph of a plant with several green stems radiating from a central point. Each stem is topped with a cluster of small, delicate flowers in shades of pink and white. The background is a soft, out-of-focus light green and white, suggesting a natural outdoor setting.

Dokhtarane  
**Havva**

6